



ضمایر [او]

باور آقای نویسنده

دولت‌آبادی، سردار شهید سلیمانی را مردی نخبه خواند

محمود دولت‌آبادی، نویسنده سرشناس بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی در دلنوشته‌ای زبان به تحسین او ستود و حاج قاسم را فرزند شایسته ایران دانست. در بخشی از این نوشته آمده بود: «ایران یاردیگر یکی ازفرزندان شایسته خود را با دریغ تمام از دست داد. شخصیتی که سدی سترگ در برابر خون‌آشامان داغش شد و مرزهای کشور ما را از نکتب حضور آنان ایمن داشت. من نیز در اندوه عمیق از دست دادن آن انسانی که شخص دورادور دوست می‌داشتمش، سوگوام.»

بعد از این اظهار ارادت، برخی ابراز تعجب کردند و حتی از روی مخالفت و بدون این‌که بویی از وطن‌پرستی داشته باشند به دولت‌آبادی تاختند اما این نویسنده به‌تازگی و در مراسم بزرگداشت «روز قلم» که شامگاه ۱۴ تیر توسط قیدیو در فضای کلاب‌هاوس برگزار شد، بار دیگر بر موضع قبلی خود ایستاد و گفت: اگر آن دلسوختگی را برای سرباز مملکت، زنده‌یاد سردار سلیمانی انجام دادم به آن باور داشتم.

دولت‌آبادی در پاسخ به سوالی درباره موضعگیری هایش برای وطن و مخالفت عده‌ای با این موضع‌گیری‌های او بیان کرد: من به خودم دروغ نمی‌گویم. نویسنده نباید به خودش دروغ بگوید. نویسنده نقاب ندارد و با قلب و عقلش زندگی می‌کند. سؤال من از کسانی که به من اعتراض داشتند این است که آیا من در طول عمرم و از ۱۰سالگی که کار می‌کنم جز برای مملکت‌م کار کرده‌ام؟ جز برای زبان فارسی، مردم این مملکت و بیان آنها کاری کرده و مقصدی داشته‌ام؟ و الله که من هیچ آرزویی جز سربلندی، آزادی، سلامت، بهداشت، آموزش و پرورش و رشد اجتماعی مملکت و این وطن نداشتم.

او ادامه داد: به اعتقاد من چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. یعنی ما اول باید به خودمان بپردازیم و من عملاً این کار را انجام داده‌ام. بنابراین اگر آن دلسوختگی را برای سرباز مملکت، زنده‌یاد سردار سلیمانی انجام دادم به آن باور داشتم. زیرا مرئی نخبه مأمور می‌شود کاری را انجام دهد، وای آن سیاستی که او را مأمور کرده، این‌که **سوخته** آن کار است. امر دیگری است که من آن را قدر دانستم، کما این‌که همان رنج را برای همه افسران ما که در جنگ هشت‌ساله از بین رفتند هم دیده و برای آنان گریسته و سخن گفته‌ام.

دولت‌آبادی گفت: من برای تک تک افرادی که در این مملکت بودند و بنا بود آن را نگه‌دارند، «کلتل» را نوشتم. بنابراین این حس و عاطفه و بیان من منحصر به ژنرال سلیمانی نبوده است. برای من هیچ استثنایی وجود ندارد و همه سربازانی که از مملکت ما و شما دفاع می‌کنند، عزیز هستند. ضمن این‌که خودم در جوانی خواستم ارتشی شوم اما قبولم نکردند و چه خوب! چون ناچار شدم نویسنده شوم.

این نویسنده تصریح کرد: می‌گویند اگر فکر می‌کنید دیگران درباره شما چه فکری می‌کنند یا ضعیف هستید یا از ایشان می‌ترسید، من هرگز به خود دروغ نگفته‌ام. در جای خودم نه ضعیف هستم و نه از کسی می‌ترسم.

دولت‌آبادی در بخش دیگری از صحبت هایش، روز قلم را یکی از روزهای بزرگ در گذشته تاریخی ما خواند که باید گرمی داشته شود و گفت: این‌که در این دوره نویسندگان و به‌ویژه جوانان آن را احیا می‌کنند، بسیار فرخنده و نیکو است.



«بامداد خمار» سریال می‌شود

ابراهیم ایرج‌زاد ساخت سریال نمایش خانگی «بامداد خمار» را که اقتباس از رمانی به همین نام است با تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی آغاز کرد. مهر این خبر را منتشر کرد و نوشت رمان «بامداد خمار» نوشته فتانه حاج سیدجوادی در سال ۲۴ برای نخستین بار منتشر شد و تولید سریالش اواخر سال ۹۸ آغاز شد اما به دلیل شیوع ویروس کرونا، متوقف و حالا دوباره از سر گرفته شده است.

بعضی‌ها می‌گویند به

این دلیل که امکانات مادی سینمای ایران به‌اندازه کافی نیست، ژانرهای پرهیجان مثل فیلم‌های ورزشی کمتر ساخته می‌شوند. اما برخی هم معتقدند نویسندگان و کارگردان‌های خلاق و کاربلد هم‌هم از امکانات مادی هستند. حالا فیلم «لاله» پس از ۱۰سال وقفه روی پرده آمده تا هر دو این فرضیه‌ها را به محک بازار تماشای فیلم‌های ایرانی در میان ایرانیان بگذارد. آیا تامین زیرساخت‌های لازم برای تولید یک فیلم درباره مسابقات اتومبیلرانی سخت‌تر است یا پیدا کردن آدم‌هایی که داستان چنین فیلمی را خوب بنویسند و آدم‌هایی که بتوانند آن داستان را روی پرده، خوب از آب دریاورند؟ لاله پاسخ کاملی نمی‌دهد.

حواشی متعدد از مسائل اقتصادی مثل بودجه فیلم گرفته تا مسائل سیاسی و فرهنگی، سال‌ها پروژه لاله را توی چشم‌های تشنه برای تماشای



فاطمه ترکاشوند

ادبیات و هنر

اگر تماشای فیلم ایرانی دوبله‌شده روی پرده، پرتاب‌تان می‌کند به سه دهه قبل و خاطرات سینمای دهه ۶۰ را برایتان زنده می‌کند، بد نیست بدانید حالا این تمهید قرار است برای فیلم‌هایی به کار بیاید که داخل ایران اما به زبانی جهانی تولید می‌شوند تا شاید بتوانند بخشی از بار ارنه تصویری به علاقه‌مندان خارجی کنج‌گاو در وضعیت روز ایران را به دوش بکشند. این، دست‌کم ادعای کارگردان لاله است که می‌گوید با وجود وضعیت کنونی پخش فیلم در سینماهای جهان را دنبال می‌کند. با اسدا... نیک‌نژاد به گفت‌وگو نشستیم تا هم حواشی فیلم را به روایت خودش بازگو کند و هم نکات ناگفته‌ای را درباره سینمای ایران به اشتراک بگذارد.

فیلم لاله و مابری تولید آن از کجا آغاز شد؟ طرح فیلم به شما ارائه شد یا بر ایده وطراحی اولیه سهم داشتید؟
این موضوع را البته چند بار توضیح داده‌ام اما باز هم لازم است تاکید کنم که تمام ایده، طرح و سناریو در لس‌آنجلس در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد و تا ۲۰۱۰ پروژه آماده‌سازی سناریو و مراحل جذب سرمایه‌گذار و سایر مقدمات طول کشید و سال ۲۰۱۰ هم برای سناریو را به ایران آوردم و چون موضوع فیلم درباره یک دختر ایرانی در جامعه ایران بود، با توجه به این پیشنهادهایی هم درباره ساخت آن در خارج از کشور داشتیم اما من اصرار داشتم که فیلم در ایران ساخته شود تا حال‌وهوای جامعه بیشتر بازتاب داشته‌باشد. همان سال با وزارت ارشاد وارد مذاکره شدیم. البته هم‌زمان گفت‌وگو با فارابی را هم پیش می‌بردیم اما بنابه ملاحظات تصمیم گرفتیم که کار را در فارابی انجام ندهیم. باز هم تاکید می‌کنم برخلاف شایعاتی که دوستان فارابی ساختند، خود ما تصمیم گرفتیم به‌دلیل مسائلی که در خود فارابی در آن سال مطرح بود، با فارابی کار نکنیم. بنابراین طرح از ابتدای ایده تا انتهای تولید، توسط خود ما انجام شد.

با این که طراحی اولیه در سال‌های اواخر دهه ۸۰ انجام شد، تولید و اکران فیلم تا سال ۹۸ به‌طول انجامید. مانع اولیه تولید در همان سال‌های ابتدایی چه بود؟

در واقع همان سال ۹۰ بود که ما فیلم‌نامه را با تمام آن امکانات تکنیکی که بنا بود ساخته شود به تهران آوردیم ولی این‌که چرا ۱۰ سال طول کشید چیزی است که شاید دیگر همه مردم بدانند. در واقع یک مدیریت غلط در سطح سازمان سینمایی در دولت آقای روحانی وجود داشت که افرادی مانند مدیر وقت سازمان سینمایی یا معاون کل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که زبردست مدیر سازمان محسوب می‌شد، آدم‌هایی بودند که روی این موج سوار شدند تا برای خودشان اسم و رسمی بسازند و متأسفانه خارج از اخلاق رفتار کردند و به محض این‌که دولت آقای احمدی‌نژاد تمام شد و از کمی قبل تر از آن تصمیم گرفته بودند که با مدیران قبلی و تصمیمات‌شان برخورد سیاسی کنند. حالا اصطلاحا به اینها اصلاح‌طلب و اصولگرا می‌گویند که یعنی اصلاح‌طلب‌ها تصمیم گرفته‌بودند که در دوران خودشان اصولگراها را اذیت کنند. یکی از پروژه‌هایی که مشمول این تصمیم شد، پروژه لاله بود که در آخرین ماه‌های دولت آقای احمدی‌نژاد آغاز شد و در اولین روزهای دولت آقای روحانی با مشکل روبه‌و شد و بهانه آوردند تا کار متوقف شود. اگر فیلم را دیده باشید، می‌دانید که فیلم از جهت تولید، کار بسیار سنگین و دشواری بود چون ماشین‌ها باید ساخته و لباس‌ها دوخته می‌شد. حتی این پیست اتومبیلرانی که در فیلم می‌بینید به این شکل در استادیوم آزادی، وجود خارجی نداشت بلکه ما در فیلم لاله خرج کردیم تا آماده شود و بعد بماند برای جوانانی که علاقه‌مند به این رشته ورزشی هستند اما متأسفانه برعکس ما که نیت مان خدمت بود، مدیران سیاسی که

نگاهی به فیلم «لاله» که می‌تواند سرآغازی بر حرکت به سمت سینمای حرفه‌ای باشد

ناموفقی ایستاده بر خط شروع

دیالوگ‌ها به یک زبان خارجی است و بازیگر باید قادر باشد علاوه بر رعایت تمام نکات فنی، حس درام را هم درست از کار دربیاورد. از حق نگذریم فیلم در تمام اینها موفق بوده‌است. دست‌کم به شهادت تماشاگر نوجوانی که تمام مدت فیلم روی پا ایستاده و مسابقات را انگار که کنار پیست واقعی باشد، با تشویق و فریاد دنبال می‌کرد. لاله از ظرفیت‌های خوبی برای مخاطبی در این رده سنی و هیجان‌هایش برخوردار است.

اما به‌رغم موفقیت کارگردانی در این قبیل دستاوردهای حداقلی برای یک سینمای حرفه‌ای ژانری -که البته سینمای ایران از همین حداقل‌ها هم جا مانده- با فیلمنامه‌ای شلخته و ضعیف ظرفیت‌های تکرارناپذیر ژانری آن یعنی یک داستان ورزشی پرهیجان آن هم با تعقیب و گریزهای پی در پی در یک پیست مسابقه. اضافه کنید بر این قبیل ظرفیت‌ها، این مساله را که فیلم عملاً یک فیلم پربازیکر و پرچهره حساب می‌شود که همه‌شان هم به زبان انگلیسی، بازیگری کرده‌اند که این اتفاق، بیش از گفتن

شهاب مظفری در «خانه شیشه‌ای»

شهاب مظفری در فیلم سینمایی «خانه شیشه‌ای» به کارگردانی امیرپورکیان نقش آفرینی کرده است. مهر خبر داده مظفری که اخیراً اقدام به افشاگری علیه مافیای موسیقی کرده، در فیلمی که به پشت پرده این مافیای می‌پردازد، جلوی دوربین رفته و نقش یک خواننده زاده را بازی می‌کند که با ایستادن مقابل مافیا و افشاگری، قید استیج را می‌زند. پیش از این خبر حضور بهاره کیان افشار در این فیلم رسانه‌ای شده بود.

و پرتلاش و قهرمان بسازد، نهایت تاثیر بسزایی بر مخاطب نمی‌گذارد.

لاله، از این نظر که شمایل زنی متفاوت را به‌خصوص در مقایسه با زنان همیشه قربانی سینمای ایران به نمایش می‌گذارد، کاراکتر کم‌سابقه‌ای است. اما از این جهت که نمی‌تواند خودش را با این شمایل به چشم مخاطب بیاراید و جا بیندازد، فرق چندانی با قبلی‌ها ندارد. مردان همراه با او هم اگرچه خلاف عادت همیشگی سینمای ایران، حامی و مشوق لاله برای ادامه دادن به مبارزه هستند و از قضا صورت‌های همراه با محاسن مدیران دولتی را در چهره‌هایی مانند محمد صادقی به شکلی سمپاتیک به نمایش می‌گذارند، اما جا نمی‌افتند و به سختی پذیرفته می‌شوند. بخشی از این مساله هم به ازدیاد انبوه شخصیت‌های اضافه‌ای بازمی‌گردد که هیچ نقش جدی در پیشبرد درام ندارند و انگار به داستان تحمیل شده‌اند. لاله، فیلمی دینی است و بدون تردید برای پسران نوجوان می‌تواند جذاب و دیدنی باشد. اما همه اینها باعث نمی‌شود فکر کنیم فیلم در تحقق بخشیدن به ظرفیت‌های بالقوه‌اش به اندازه کافی موفق بوده‌است. شاید ما در آغاز راه یک سینمای حرفه‌ای که فیلم‌های ژانری را بدون ادعای جشنواره‌ای شدن و تفرعن روشنفکرانه تولید می‌کند و صرفاً به رضایت مخاطب می‌اندیشد. لاله برای چنین دورنمایی یک موفقیت نیست اما می‌تواند شروعی بی‌تکلف باشد.

کارگردان فیلم لاله باگلایه از مناسبات غیرحرفه‌ای اکران از قواعد حاکم بر سینمای کشور

سینما دارها گفتند فیلمت را کون

که علاقه‌مند به فیلم‌های ۷۵دقیقه‌ای بز ن و برقص هستند، نظرشان تامین شود. درحالی که فیلم‌های جدی در هر جای دنیا با زمان بالای دوساعت اکران و با احترام با آن برخورد می‌شود ولی متأسفانه در ایران بعضی از دوستان سینمادار، مزه دهان‌شان را با مزه دهان تماشاگر یکی می‌دانند. بر این اساس فکر می‌کنند اگر فیلمی برای خودشان خوب باشد لابد برای مردم هم جذاب خواهد بود اما باور من این نیست. مردم باهوش و باسواد و علاقه‌مند به کار جدی هستند ولی بعضی از این سینماداران، این فیلم‌های ارزان‌بند را معرفی می‌کنند، چون خودشان دوست دارند. آنها ما را مجبور کردند وقت فیلم را کم کنیم و به همین علت سکانس ها کم شده و امیدوارم روزی فیلم کامل برای مردم نمایش داده شود تا متوجه شویم نظر آنها نظر مردم نیست. دیگر کار ما به اینجا کشیده که یک سینمادار باید به ما بگوید اگر زمان فیلم را کم نکنی، فیلمت را نمایش نمی‌دهیم و بعد هم در گیشه به مردم می‌گویند این فیلم طولانی است. نرئید ببینید! یک فیلم کوتاه کمدی هست آن را ببینید. این را گیشه‌دار سینما به مردم می‌گوید، بعد هم می‌گویند چرا فیلم‌ها فروش نمی‌کنند. به هرحال هیچ مشکل ممیزی با ارشاد نداشتیم اما به‌خاطر سینماداران فیلم را کوتاه کردیم.

چه بازخوردهایی از مخاطبان داشته‌اید؟ از پخش فیلم راضی هستید؟

تا جایی‌که برخوردهای البته کمی باتماشاگران داشتم، آنها به شدت از تماشای فیلم هیجان زده می‌شوند و خوش‌شان آمده و من کسی را ندیده‌ام که از فیلم بد بگوید اما من از پخش‌کننده اصلاً راضی نیستم. در زمان بد و در تعداد سالن‌های کم! اصلاً نمی‌دانم مجموع سانس‌هایی که در اختیار داشتیم، چقدر است. آنچه‌هم که داشتم، گیشه‌دار مردم را راهنمایی غلط کرده است. قرار بود دو هفته قبل از اکران برای این فیلم تبلیغ شود اما این کار را هم نکردند. من از صداوسیما کشور تشکر می‌کنم که لااقل تیزرهای ما را پخش کردند اما تبلیغات شهری و پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی و راه‌های دیگر را نداشتیم. سالن‌های خوب را به فیلم‌های به

فکر کرده بود که دومیلیارد خیلی پول زیادی است ولی بعد‌ها متوجه شدند آن مدیر هم مانند مدیر بعدی، آدم‌های چندان باتجربه‌ای در سینمای حرفه‌ای نبودند. بنابراین به آن زمان تهیه‌کننده کار و مدیر وقت شروع کردند با این پول برای خودشان ماشین و امکانات خریدن ولی ما خیلی زود آنها را اخراج کردیم و تهیه‌کننده دیگری را آوردیم که واقعا بودجه را خرج خود فیلم کند.

مناسبات و حواشی سیاسی چقدر در به تاخیر افتادن تولید فیلم تاثیر داشت؟

تمام تاخیر فیلم محصول همین حواشی سیاسی و حواشی اخلاقی بود که آخر هم فهمیدیم اینها چقدر سیاست‌زده بودند و فقط وقت و بیت‌المال را تلف کردند و حالا مردم و اهالی رسانه و سینمای حرفه‌ای هم فیلم را که دیدند متوجه شدند چقدر به این فیلم بی‌رحمی شد و این که می‌توانست ۸هشت سال پیش بیرون بیاید و وجهه دیگری از جامعه ایران را نمایش دهد و فروش بسیار بالایی برای سینمای ایران به ارمغان بیاورد. ولی متأسفانه بی‌اخلاقی‌هایی از سوی مدیران سیاسی صورت گرفت.

همه مراحل تولید فیلم یک جا و در یک زمان انجام شد یا برداشت‌های مختلفی در طول زمان داشتید

و در کدام فاصله زمانی تولید انجام شد؟
در تمام مدتی که فیلم معطل بود طبیعتاً مدام می‌رفت چند برداشت انجام می‌داد و دوباره متوقف می‌شد. البته بیشتر کار را همان ابتدا انجام دادیم و اتمام فیلم هم در فاز سوم فیلم اتفاق افتاد.

آیا ممیزی یا ملاحظات در فیلم‌نامه بایس از تولید اتفاق افتاد که به فیلم مدنظر شما ضربه بزند؟

خیر. از ابتدایی که به وزارت ارشاد سناریو ارائه دادم، چند کمیته مرتبط و آدم‌های مسؤول در وزارت ارشاد و خارج از آن، فیلم‌نامه را خوانده بودند و هیچ اصلاحیه‌ای به آن وارد نشد اما وقتی فیلم تمام شد با این که از ابتدا زمان فیلم را ۳سه‌ساعته بسته بودیم، مدیران عزیزِی که با ما کار می‌کردند، نگاه‌شان این بود که زمان فیلم زیاد است. بنابراین فیلم در زمان تدوین، کوتاه شد تا دوستانی